رسول الله صلی الله علیه وسلم به احد رفت و پس از گذشتِ هشت سال از جریان احد، برای کُشته های اُحُد دعا کرد؛ مانند کسی که از زنده ها و مرده ها خداحافظی می کند.

از عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت است که می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم به احد رفت و پس از گذشتِ هشت سال از جریان احد برای کُشته های اُحُد دعا کرد؛ مانند کسی که از زنده ها و مرده ها خداحافظی می کند؛ سپس بر منبر رفت و فرمود: «إِنِّي بَيْنَ أَيْدِيكُمْ فَرَطٌ وَأَنَا شَهِيدٌ عَلَيْكُمْ وإِنَّ مَوْعِدَكُمُ الحَوْضُ، وإِنِّي لأَنْظُرُ إِلَيْهِ مِنْ مَقَامِي هَذَا، أَلا وإِنِّي لَسْتُ أَخْشَى عَلَيْكُمْ أَنْ تُشْرِكُوا، وَلَكِنْ أَخْشَى عَلَيْكُمُ الدُّنْيَا أَنْ تَنَافَسُوهَا»: «من روز قیامت جلوتر از شما و گواه تان خواهم بود؛ وعده گاه شما، "حوضِ (کوثر)" است و من اینک از اینجا آن را می بینم. من از آن بیم ندارم که دوباره شرک ورزید؛ بلکه از این نگرانم که بر سرِ دنیا به رقابت با یکدیگر بپردازید». عقبه رضی الله عنه می گوید: این آخرین باری بود که به رسول الله صلی الله علیه وسلم نگاه کردم. و در روایتی آمده است: «وَلَكِنِّي أَخْشَى عَلَيْكُمُ الدُّنْيَا أَنْ تَنَافَسُوا فِيهَا، وَتَقْتَتِلُوا فَتَهْلِكُوا كما هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ»: «بلکه نگرانی ام برای شما، درباره ی دنیاست که بر سرِ آن با یکدیگر رقابت کنید و با هم درگیرِ کشمکش (و قتل و پیکار) شوید؛ در نتیجه همان گونه که امت های پیش از شما به هلاکت رسیدند، شما نیز هلاک شوید». عقبه می گوید: این آخرین باری بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم را بر منبر دیدم. و در روایتی آمده است: «إِنِّي فَرَطٌ لَكُمْ وَأَنَا شَهِيدٌ عَلَيْكُمْ وإِنِّي واللهِ لأَنْظُرُ إِلَى حَوْضِي الآنَ، وإِنِّي أُعْطِيتُ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِ الأَرْضِ، أَوْ مَفَاتِيحَ الأَرْضِ، وإِنِّي وَاللهِ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ تُشْرِكُوا بَعْدِي، وَلَكِنْ أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنَافَسُوا فِيهَا»: «من جلودار و گواه شما هستم و سوگند به الله که اینک به حوض خویش می نگرم. کلیدهای خزانه های زمین - یا فرمود: کلیدهای زمین - به من داده شده است. به الله سوگند برای شما نگران نیستم که پس از من شرک بورزید؛ بلکه نگرانی ام برای شما این است که بر سر دنیا با یکدیگر رقابت کنید».

[صحیح است] [متفق علیه]

رسول الله صلی الله علیه وسلم به کوه احد می رود و برای شهدای آنجا دعا می کند؛ این اتفاق هشت سال پس از غزوه ی احد روی می دهد. سپس بر منبر بالا می رود و مانند کسی که با مردم خداحافظی می کند، برای آنان سخن می گوید و به آنها خبر می دهد که حوضش را می بیند و او پیش از همه بسوی آن خواهد رفت و بر آنها گواه خواهد بود؛ و خبر می دهد که امتش گنجینه های زمین را تصاحب خواهند کرد؛ و خبر می دهد از اینکه امتش دچار شرک شود نمی ترسد، بلکه از چیز دیگری می ترسد که بزودی به سراغ آنها خواهد آمد و آن باز شدن دروازه های دنیا بر روی آنهاست؛ اینکه بر سر دنیا با یکدیگر رقابت کنند و بخاطر دنیا با یکدیگر وارد جنگ شوند و دنیا آنها را هلاک کند، همانطور که پیشینیان شان را هلاک نمود. عقبه رضی الله عنه می گوید: و این آخرین باری بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم را بر منبر دیده است.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/8410